**یا امام باقر(علیه السلام)**

هر که می خواهد ببیند غربتش

بر بقیع و بر قبورش بنگرد

کس نمی گیرد سراغ یاد او

اشک شیعه چلچراغ یاد او

او که این محفل به نامش دایر است

در شب مستی به شورم ناظر است

در کتاب عشق ثار اللهیان

آیه ایی زیباست اما ساتر است

خواستم از عشق گویم مدح او

گفت جز حق هر زبانی کافر است

ای گل درد آشنا وای از دلت

یادگار کربلا وای از دلت

شاهد اوج پرستوهای عشق

برفراز نیزه ها وای از دلت

ای سه ساله دیده در زیر کتک

شاهد دشت بلا وای از دلت

(آقا) درد شلاق عدو افزون تر است

یا شرار ناسزا وای از دلت

گوش های غرق خون را دیده ایی

ای به محنت مبتلا وای از دلت

خرج راه کربلا خواهم ز تو

بعد از ان شهد لقا خواهم زتو

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

آه یاران روزگارم شام شد

نوبت شرح ورود شام شد

شام شهر محنت و رنج و بلا

شام یعنی سخت تر از کرببلا

شام یعنی مرکز آزار ها

آل عصمت بر سر بازار ها

شام یعنی از جهنم شوم تر

اهل بیت از کربلا مظلوم تر

شام یعنی ظلم و جور بی حساب

اهل بیت عصمت و بزم شراب

پشت آن دروازه خلقی بی شمار

رخت نو پوشیده دست و پا نگار

 بهر استقبال با ساز و دهل

سنگشان در دست جای دسته گل

ریختند از هر طرف زن های شام

آتش و خاکستر از بالای بام

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

از غم دیرینه ای     دلها شد مدینه ای

ما که به جمع لاله ها نپیوستیم

ز جام سرخ عاشقی مستیم

سائل باقرالعلوم هستیم

*جانم فدای راه حضرت باقر(ع)*

تربت پاک شما    در بقیع قلب ما

آقا در این تهاجمات بی همتا

کنیم حمایت از شریعت ما

به  ذوالفقار قال باقر ها

 -------

ناظر رنج و بلا      شاهد کرببلا

آقا نموده ای راه بلا را طی

تو دیده ای غصه ی پی در پی

سر حسین فاطمه(س) بر نی

*حسین آقام آقام آقام...*

*غریب آقام 3 یا حضرت باقر*

من شاهدی از دشت بلایم

 من یادگار کرببلایم

\_\_\_\_

زهر جفا بر جانم شرر زد

 بر سوز قلبم داغی دگر زد

 من شعله دارم در کنجه سینه

 آتش به جان زد داغ مدینه

 \_\_\_\_

 دیدم به چشمم دریای خون را

 صحرای اندوه دشت بلا را

 دیدم به چشمم بارانی از اشک

 دست علمدار افتاده دیدم

 دیدم به چشمم آن سر به داران

 سرها روانه با نیزه داران

 من آنچه دیدم رنج سفر را

 خواهم بگویم امشب به زهرا

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

**مراسم تشییع و دفن امام باقر(ع)**

و امام صادق(ع) برای غسل دادن و کفن نمودن بدن مقدس پدر برخواست در حالی که اشک بر گونه اش روان بود. اشکی که از ماتم از دست دادن پدری بود که آسمان دنیا بر سر کس دیگری چون او در آن عصر از لحاظ علم و فضل و تعمق در دین سایه نیافکنده بود.

و بدن مقدس امام باقر(ع) را از حمیمه -نام مکانی خارج از مدینه بود- در میان انبوهی از مردم که تکبیر و تهلیل می گفتند حمل کردند **و با سعادت کسی بود که بدن پاک امام را در آن تشییع لمس نمود...**

و بدن پاک حضرت را در تشییع به سوی بقیع آوردند و برای ایشان قبری در کنار پدر بزرگوارشان امام سجاد(ع) و عموی پدرشان امام حسن(ع) حفر نمودند. و امام صادق(ع) پدر گرامیشان را در قبر جای دادند و سپس دفن نمودند. و همانا همراه ایشان علم و حلم و نیکی های به مردم نیز به زیر خاک رفت.

و قام‏ الامام‏ الصادق‏ علیه‏ السلام‏ بتجهیز الجثمان‏ المقدس‏ فغسله‏ و كفنه‏، و هو یذرف‏ أحر الدموع‏ على‏ فقد أبیه‏ الذی‏ ما أظلت‏ مثله‏ سماء الدنیا فی‏ عصره‏ علما و فضلا و حریجة فی‏ الدین‏.

و نقل الجثمان العظیم من الحمیمة تحت هالة من التهلیل و التكبیر قد حفت به الجماهیر، **و السعید من الناس الذی یلمس نعش الامام ...**

و سارت مواكب التشییع، و هی تعدد مناقب الامام أبی جعفر (ع) و الطافه‏ و عائدته على هذه الأمة، و أنتهی بالجثمان المقدس إلى بقیع الغرقد، فحفر له قبر بجوار الامام الأعظم أبیه زین العابدین علیه السلام، و بجوار عم أبیه الامام الحسن سید شباب أهل الجنة (ع) و أنزل الامام الصادق أباه فی مقره الأخیر فواراه فیه، و قد وارى معه العلم و الحلم، و المعروف و البر بالناس.

حیاة الإمام محمد الباقر(ع)، القرشی ،ج‏2،ص:392

حیاة الامام محمدالباقرعلیه‏السلام

باقر شریف قرشی، چاپ دوم، بیروت، الوفاء، 1404ق/ 1984م، وزیری، 2ج:374+406ص، (بهترین کتابی که در زندگانی امام باقرعلیه‏السلام به زبان عربی نگاشته شده و در دست ترجمه است.)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

- امام باقر فرمود: امام حسين عليه السلام را به گونه‏اى كشتند كه پيامبر صلى الله عليه و اله و سلم از كشتن حيوانات درنده به آن نحو، نهى فرموده است،لقد قتل بالسيف و السنان و بالحجاره و بالخشب و بالعصا. و لقد اوطئوه الخيل بعد ذلك.

اسید [اسد]، از جمله 10 نفری بود که بعد از شهادت حسین بن علی (ع)، بر بدن مبارک او با اسب تاختند و استخوان ها و سینه آن حضرت را درهم شکستند و چون نزد ابن زیاد ملعون رفتند، خواست اظهار خوش خدمتی کند و جایزه بگیرد، شعری به این مضمون خوان».

**نحن رضضنا الصدر بعد الظهر**

**بکل یعسوب شدید الأسرة**
ما سینه حسین را درهم کوبیدیم بعد از آن که پشت او را لگدمال کردیم با اسبان قوی هیکل و تیزتاز. لعنه الله علیهم.